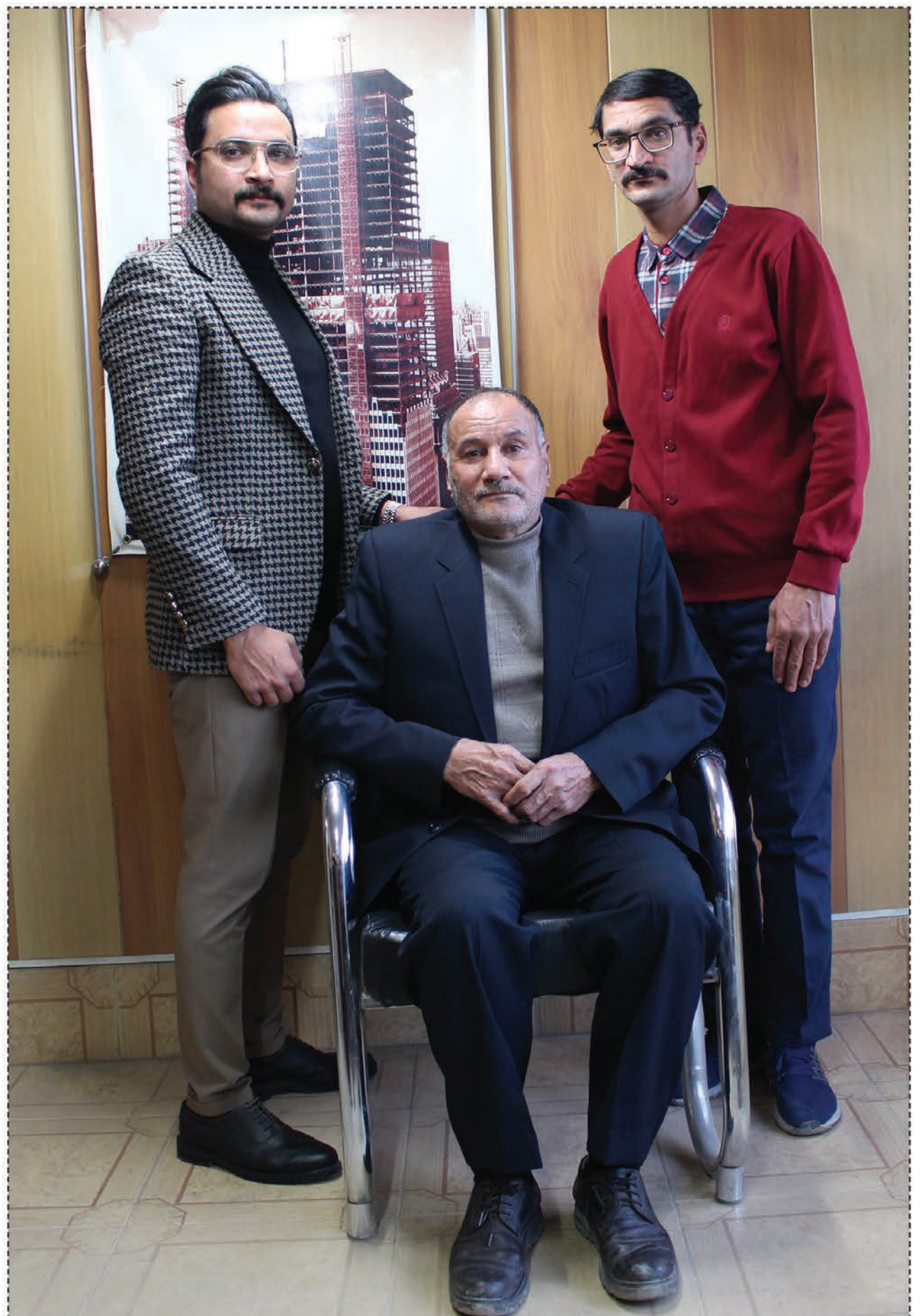


از چناران تا جای جای خراسان با بورس آهن رستم زاده

باید اعتراف نماییم که اکثریت قریب به اتفاق پدران و بزرگان ما انسان‌هایی بوده‌اند که از خانواده‌هایی ضعیف یا متوسط روستایی برخاسته و نان از عمل و دسترنج خود به سفره می‌آوردند و در مقابل سختی‌های زندگی خم به ابرو نیاورده و گلیه‌ای نداشتند. می‌دانستند که هر فراز و فرودی جزئی لاینکف از داستان زندگی است و باید با آن مدارا و با صبوری و تلاش بر آن فائق آیند و به همین دلیل هر لحظه از زندگی آن‌ها یک فرصت طلایی محسوب می‌شد و از آن نهایت استفاده را در جهت رسیدن به هدف‌های خود که تامین معاش زندگی و ساختن آینده فرزندان نیز بخش مهمی از آن بود، می‌نمودند. این بزرگان در سال‌های بازنشستگی، ملکی، مالی و اندوخته‌ای داشتند تا مسیر زندگی برای فرزندان نیز هموار گردد. در بسیاری از مواقع شاهد بوده‌ایم که یک یا چند فرزند خانواده راه و شغل پدر را در پیش می‌گیرند تا هم امانت‌دار و نگاهبان دستاوردهای پدر بوده و هم برای خود و فرزندان نیز آینده‌ای روشن بسازند. قصه‌ی زندگی حاج غلامحسین رستم زاده چهره نام آشنا و مردمی چناران و فرزند خلفش علیرضا از آن جمله است.

مکتب رفتاری او آنچه چشم نواز و دلنشین است، اهداف بلندی است که در نقطه نقطه اش یاد و نام خدا معنا بخش آن هدف و هر حرکت و تلاش در مسیر رضای او بوده است و تامین رضایت مشتری نیز بارضای خالق پیوندی ناگسستنی خورده است. کاش می‌شد نگاه جوانان امروز در کار و زندگی متأثر از رفتار و گفتار حاج غلامحسین‌ها و طیفی گسترده از پدران و پیشینیانی باشد که هر آینه در رفتار و گفتارشان یاد و نام خدا، دستورات دینی، عرف و بندبند قوانین متجلی است. علیرضا از جمله این جوانان است که با اتکالی به تجربه‌ها و آموزه‌های پدر و تلاش و نگاه امروزی خود، با فعالیت‌های مبتنی بر دست یافته‌ها و تکنولوژی روز، توانسته است این بار سنگین را به سلامت به مقصد رهنمون سازد و امروز هم که مدیریت آهن آلات رستم زاده را به دوش می‌کشد، حضور پدر را به عنوان بزرگ و مشاور و امین فرصتی مغتنم می‌شمارد تا از هر لحظه در کنار پدر بودن فرصت و سکویی برای رسیدن به اهداف والای خود بسازد. حاج غلامحسین در چناران یک نام قابل احترام است و دلیلش را باید در رفتار صادقانه‌ای جست که در آن نقش مردم پررنگ تر از هر چیز دیگری است. اگر هر شهروند روش و منش او را در حرف و عمل دنبال کند دیگر نباید دلواپس فردای ایران، فردای خراسان و فردای چناران باشیم. وقتی با بزرگان شهر راجع به این پدر و پسر به گفتگو نشستیم، همه و همه از عملکرد و رفتار آن‌ها در کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی به نیکی سخن می‌گفتند و از خدمات سال‌های سال حضور حاج غلامحسین رستم زاده قدردانی می‌نمودند.

حاج غلامحسین رستم زاده که شصت و هفت بهار را به چشم دیده است، پس از سالها فعالیت در مشهود کسب تجربه و تخصص، در زمره‌ی اولین افرادی بود که صنعت درب و پنجره سازی را به چناران آورد و در این شهر کم‌برخوردار، سالها تلاش و مشتری مداری کرد و با رفتار و عملکرد و زندگی ارزشی خود هم نامی ماندگار از خود به جای گذاشت و هم گوی و میدان را به فرزند قدرشناس خود علیرضا داد تا او نیز در مسیری که به لطف بیش از نیم قرن حضور تاثیرگذار پدر هموار شده بود، حرکت کند. مسیری که در آن معنای کار و تلاش با مردم‌داری و رعایت انصاف و عدالت در کسب و کار عجین شده بود و این مهم مسئولیت علیرضا را مضاعف می‌ساخت. حاج غلامحسین از نسلی برخاسته بود که در آن کار و تلاش و فعالیت‌های اقتصادی و خدمت به مردم ریشه در باورهای دینی و ارزشی جامعه داشت و در هر قدم یاد و نام خدا جاری و ساری بود. نسلی که از همان دوران نوجوانی آموخته بود که باید از اذان صبح تا غروب، لقمه نان حلالی را بجوید و در این راه حتی اگر لازم باشد شرایط سختی همچون ترک دیار و عزیمت از یک نقطه به نقطه‌ای دور را بپذیرد تا بتواند تصویر روشنی از آینده تعریف و ترسیم کند. امروز خانه‌های زیادی را در چناران سراغ داریم که چفت و بست و در و پنجره هایش را اوستا حاج غلامحسین ساخته و پرداخته است و هنوز و همچنان از چنان طرح و شکل و دوام و قوامی برخوردار است که صاحبان آن خانه‌ها دعاگو و قدردان زحمات ایشان هستند. حکایت زندگی حاج غلامحسین فقط در در و پنجره خلاصه نمی‌شود چرا که در



**بیش از نیم قرن تلاش صادقانه
بزرگمردی برخاسته از چناران
آشنایی بیشتر با
حاج غلامحسین رستم زاده
از بزرگان و طلایه داران
صنعت درب و پنجره سازی
شرق کشور**